



محمد تقی ادهم نژاد

نوغان‌داری (پرورش کرم ابریشم) مشغول بود.

سید حسین علاقه شدیدی به قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام ابراز می‌داشت و با وجود کارهای طاقت‌فرسای کشاورزی، اغلب اوقات عمرش را پای منابر

۱. شرح حال ابن عالم ربانی در کتب ذیل آمده است:

گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، ج ۳، ص ۳۳؛ دانشوران و دولتمردان گیل و دیلم، صادق احسانبخش، ص ۳۷۵؛ پیشینه تاریخی فرهنگی لاهیجان و بزرگان آن، محمد علی قربانی، ص ۸۷۴ همچنین در مجموعه ستارگان حرم، ج ۱۱، ص ۲۴۱، توسط نگارنده شرح حال جامعی از ابن عالم بزرگوار آمده است.

آیة الله دکتر سید عبدالله ضیایی^۱ از چهره‌های برجسته‌ای بود که علاوه بر دروس حوزه، دروس عالی دانشگاهی را آموخت و در حقیقت، جامع علوم دینی و کلاسیک بود. معظم له در سال ۱۳۰۲ شمسی در روستای دریاکنار شهرستان لنگرود از شهرهای قدیمی استان گیلان در بیت سیادت و فضیلت پای به عرصه وجود گذاشت.

سید حسین، پدر بزرگوار وی، مردی متدین و شب‌زنده‌دار بود که به همان شیوه نیاکان و اسلاف گرامی‌اش به کشاورزی (برنج کاری) و

کلاس ششم ابتدایی آن زمان از مدارس دولتی لنگرود شد و آن گاه در سال ۱۳۲۳ شمسی عازم حوزه علمی قم گردید.

آیه الله دکتر ضیایی با نبوغ و هوش فوق العاده اش، ضمن آنکه توانست خیلی سریع مراحل تحصیلی و کتابهای رایج حوزوی آن زمان را در حوزه علمی قم طی کند و سرآمد هم قطاران گردد، سطوح پایین تر را برای عده ای از طلاب تدریس می نمود.

ورود به نجف اشرف

آیه الله دکتر ضیایی در سال ۱۳۲۷ شمسی به قصد زیارت عتبات مقدس عراق و ادامه تحصیل در حوزه نجف، از قم به آن دیار عزیمت می کند و مابقی سطوح را در آنجا به اتمام می رساند و به مدت سه سال تمام در آن دیار ماندگار می شود.

معظم له درباره این قسمت از زندگی خود، چنین آورده است:

«به اتفاق دو نفر از دوستان صمیمی عازم کربلا به طور قاجاق شدیم، ولی من تصمیم داشتم در نجف بمانم و پس از توفیق زیارت عتبات

سخنوران و واعظان شیرین سخن آن ناحیه سپری می کرد و بسیار مایل بود که خداوند به او فرزندی عنایت کند تا در کسوت روحانیت، پیام رسان کلام الهی باشد. با دعای خیر آن سلاله سادات، فرزندش سید عبدالله توانست علاوه بر تکمیل معارف و اخذ مدارج عالی علمی و کسب مقامات معنوی، در شمار سخنوران منطقه گیلان و غرب مازندران در آید.

دوران کودکی

سید عبدالله در سن پنج سالگی برای آموختن قرآن به مکتب رفت و چند سالی را در آنجا نزد معلم طالقانی - که از طالقان برای امرار معاش و تعلیم و تربیت اطفال بدان نواحی می آمدند - قرآن و برخی از کتب متداول آن زمان، همانند: احسن المراسلات و سید الانشاء نوظهور و کليلة و دمنه و بوستان سعدی و همچنین طرز تنظیم اسناد اجاره و معاملات و انواع نامه نگاری را فرا گرفت.

سید عبدالله با پشتکار و تلاشهای شبانه روزی موفق به اخذ پایان نامه

مقدسه در نجف ماندم. دو سه سالی که در نجف بودم، خوب موفق به عبادات و زیارات و دروس بودم؛ به طوری که در مدرسه حاج میرزا خلیل سمت مدرس معالم و مغنی یافتم و قصد توطن کردم. اما روزگار جریانی برای خانواده‌ام پیش آورد که پدر و مادرم با اصرار هر چه زیادتیر، بازگشتنم را دستور دادند؛ لذا اطاعت کرده، در قم اقامت گزیدم.^۱

هجرتی دیگر

او پس از اقامت در قم، از دروس آیات عظام: بروجردی، خوانساری، امام خمینی و علامه طباطبائی بهره‌مند شد. اقامت آیه‌الله ضیایی در قم، چندان دوامی نیافت و پس از چندی به ناچار به تهران رفته، در مدرسه علمیه مروی تهران به تحصیل خود ادامه داد و در درس خارج کفایه و رسائل و مکاسب آیات عظام: حاج سید احمد خوانساری، حاج عماد الدین غروی رشتی (نوه مرحوم میرزا حبیب‌الله رشتی) و آقا باقر آشتیانی و آقا میرزا هاشم آملی شرکت جست.

او علاوه بر ادامه تحصیل در مورد

سایر فعالیت‌هایش در تهران می‌گوید: در مدرسه شیخ عبدالحسین سمت مدرس داشتم و نیز به دعوت آیه‌الله خوانساری در جلسه استفتای معظم له حضور می‌یافتم تا اینکه پس از چند سالی به اتفاق عدة زیادی از فضلاء تهران و قم که از آن جمله مرحوم شهید مطهری بود، در امتحان تصدیق مدرس که برای اولین بار تشکیل شده بود، شرکت کردیم.^۲

استقامت در راه عقیده

دکتر ضیایی از جمله برجستگان ممتاز حوزوی بود که به دانشگاه راه یافت و ضمن تحصیل در آنجا، از مبارزه و مقابله علمی با عناصر غربزده و اساتید منحرف دانشگاه غافل نبود. ایشان با اینکه به راحتی می‌توانست جذب مراکز دولتی شود مصمم و استوار تلاشهای علمی خود را در دانشگاه ادامه داد.

او به خاطر باورهای دینی خود فعالیت در دستگاه طاغوتی را جایز

۱. ر.ک: پیشینه تاریخی فرهنگی لاهیجان، ص ۸۷۴ به بعد.

۲. همان.

است. و بعد فرمودند: اگر روزگار خیلی سخت می‌گذرد، چرخ دستی بگیرد و سیب زمینی بفروشید.^۱

دکتر ضیایی با همه سختیها و گرفتاریهای زندگی، لحظه‌ای از کسب علم و دانش غافل نماند و علاوه بر درس حوزوی، موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته علوم تربیتی از دانشگاه تهران شد. وی در این باره خاطره‌ای نقل می‌کند:

«در دوره دکترا مبصر کلاس بودم، آخر سالها بود؛ یعنی در سال ۱۳۳۵ شمسی که مرحوم آقای مشکاة حسن ظنی به من داشت. در حضور جمعی از اساتید از من خواست که استخدام شوم؛ اما من این کار را حرام می‌دانستم، به تعلل متوسل شدم. بالاخره استدلال آنها قوی بود و من جرئت نمی‌کردم که بگویم: من حرام می‌دانم. تا آنجا که مستأصل شدم، گفتم: استخاره می‌کنم. قرآن گرفتم و استخاره کردم. از باب اعجاز قرآن، این

نمی‌دانست. این در حالی بود که وضع معیشت بر او بسیار سخت می‌گذشت و دوستان و دشمنان، هر کدام به طریقی او را مورد ملامت قرار می‌دادند که چرا استخدام نمی‌شوی تا وضع زندگی و آینده‌ات سر و سامانی بیابد؟

معظم له در این باره می‌نویسد:
«تمام افرادی که با من بودند، استخدام شدند و من جرئت دخول در جرگه ظلم را نداشتم و شبهه رکون به ظالم و معاونت ظلم در نزد من قوی بود و زندگی برای من بسیار سخت شده بود. روزی از آیه‌الله خوانساری [سید احمد] پرسیدم که طلبه‌ای چنین و چنان است و می‌گوید: اگر در دستگاه دولتی قرار بگیرم، ممکن است داد مظلومی را بستانم و یا جای یک بهایی و کمونیست را بگیرم، آیا جایز است؟ فرمودند:

«این همه، وسوسه‌های شیطانی است و شیطان قوی است.» و قصه‌ای نقل کردند که شیطان از طریق حمایت از دین، مرجعی را گول زد و دیگر راه جبران نداشت که شرحش مفصل

۱. همان.

آستانه اشرفیه رحل اقامت افکند. وی به مدت ۱۷ سال، یعنی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ شمسی مأمور به امامت جماعت مسجد جامع و مدیریت حوزه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه گردید.

خدمات اجتماعی و فرهنگی

آیه الله ضیایی جزو معدود عالمانی بود که توفیق یافت منشأ خدمات اجتماعی و سیاسی و آثار و برکات معنوی گردد. از جمله خدمات وی موارد ذیل است:

- بازسازی و احیای حوزه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه با امکانات و تجهیزات کامل.
- تربیت و پرورش صدها نفر طلبه که بسیاری از آنان در سمت امامت جمعه و جماعت و مناصب دولتی و قضایی به نظام اسلامی خدمت می کنند.

- احیای مسجد جامع آستانه اشرفیه.
- احداث بیمارستان در آستانه اشرفیه.
- احداث و مرمت مساجد و

آیه در اول صفحه دست راست قرآن بعد از گشودن، نوشته شده بود: ﴿أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ﴾^۱

وقتی این آیه را دیدند، کانه علی رؤوسهم الطیر!

در مورد عدم قبول استخدام دولتی خیلی حرفها خوردم؛ اما همه را به پای خدا محسوب داشتم که ان شاء الله همان طور که در دنیا پاداش مضاعف داده، در آخرت نیز عطا فرماید.^۲

این عالم وارسته از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۱ شمسی به امامت جماعت نازی آباد تهران مشغول بود و از دوستان و همکاران نزدیک آیه الله کاشانی در مبارزه علیه حکومت وقت بود.

اقامت در آستانه اشرفیه

آیه الله دکتر ضیایی بعد از اخذ مدرک دکترا و اخذ اجازات اجتهاد از آیات عظام: بروجردی، امام خمینی، خوانساری و... به امر مراجع تقلید، به ویژه حضرت امام خمینی علیه السلام، تهران را به قصد توطن در گیلان ترک کرد و در

۱. زحرف / ۳۲.

۲. ر. ک: پیشینه تاریخی فرهنگی لاهیجان، ص ۸۷۴ به بعد.

میان توده‌ها و طبقات مردم برخوردار می‌باشند: آیه‌الله سید هادی روحانی در رودسر، آیه‌الله کوشالی در لاهیجان، آیه‌الله ضیابری، آیه‌الله بحرالعلوم، شیخ حسن حجتی، صدرائی اشکوری و آیه‌الله احسانبخش رحمته در سراسر شهرهای گیلان و آیه‌الله شمس لنگرودی در لنگرود و مرحوم آیه‌الله وحید در آستانه اشرفیه و دکتر ضیایی در شرق گیلان.

در آستانه اشرفیه و سایر شهرهای شرقی گیلان در کمتر محافل و مجالسی است (حتی در قهوه‌خانه‌ها که مردم خسته از کار برای نوشیدن چای به آنجا می‌آیند) که سخن از دکتر ضیایی و سخنان و آداب و برخورد اجتماعی او نباشد. او به قدری محبوبیت در بین مردم داشت که حتی ساواک رابطه عاطفی بین او و مردم را به مقامات بالا گزارش داده بود.

پاسخ‌گویی به شبهات

آیه‌الله ضیایی از جمله شخصیت‌های برجسته و شاخصی بود که با توجه به تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و تسلط و احاطه بر مبانی مسلکها و شناخت عناصر منحرف و عقاید آنان، منزل خود را پایگاه پاسخ‌گویی به سؤالات علمی و شبهات

حسینیه‌های فراوان در منطقه گیلان و غرب مازندران.

- احداث پمپ بنزین آستانه اشرفیه که کلنگ جایگاه آن توسط شهید محراب آیه‌الله صدوقی به زمین زده شد.

- احداث ساختمانهای وقفی از قبیل حمام و....

- اعزام مبلغ به روستاهای گیلان و مازندران.

از آنجا که ایشان با روحیه و آداب و رسوم مردم منطقه کاملاً آشنایی داشت، اول ماه محرم یا رمضان، مبلغان اعزامی از قم و مشهد وقتی وارد استان گیلان می‌شدند، ابتدا به منزل وی در آستانه می‌آمدند. ایشان در منزل از آنان امتحان منبر به عمل می‌آورد و بعد به تناسب نوع سخنرانی و لحن و معلومات طلبه، می‌فهمید که او را به کدام محل بفرستد تا هر دو راضی باشند. مردم منطقه از این روش همواره رضایت کامل داشته و به او احترام فوق‌العاده‌ای قائل بوده و همواره از او به نیکی یاد کرده‌اند.

محبوبیت اجتماعی

در استان گیلان در این اواخر، عالمانی را سراغ داریم که از محبوبیت فراگیر در

گوناگون اساتید دانشگاهها، فرهنگیان، گروههای مختلف از قبیل توده‌ایها، بهاییها، کمونیستها و جوانان مسلمان دانشجو و... قرار داده بود.

او نقش به‌سزایی در روشن شدن اذهان مردم در برابر این انحرافات داشت و کانون توجه و مراجعه روشنفکران بود.

وعظ و خطابه او باعث بیداری نسل جوان در برابر تهاجمات و خطرات فکری، فرهنگی، عقیدتی، علمی و... می‌شد. در یک کلمه، گرچه او در شهر کوچک آستانه اشرفیه سکونت داشت، ولی در حقیقت مرکز هدایت فکری و فرهنگی تمام گیلان و غرب مازندران به‌شمار می‌رفت و در این راستا، با عده‌ای از واعظان و نویسندگان منطقه، همانند: آیه‌الله احسانبخش، آیه‌الله زین‌العابدین قربانی، مرحوم لاهوتی، شهید ربانی املشی و... همکاری داشت.

فعالیت سیاسی

او مبارزه را از هنگام ورود به دانشگاه آغاز کرد و با مباحث و مناظرات علمی با چهره‌های منحرف و وابسته به رژیم طاغوتی و استخدام نشدن در دوائر دولتی که نشانه مشروع ندانستن حکومت طاغوت بود، در عرصه‌های مختلف به

مصاف طاغوت و اندیشه‌های منحرف رفت. زمانی که به آستانه اشرفیه بازگشت، باز هم از مبارزه باز نایستاد و در مناظر و سخنرانیها، در مناسبتهای مختلف، به شدت از رژیم طاغوتی انتقاد می‌کرد؛ به طوری که یک سال قبل از انقلاب ممنوع المنبر شد و چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، منزل او به دست عوامل مزدور ساواک به آتش کشیده شد که بر اثر آن، بسیاری از نوشته‌ها، کتب، تقریرات درسی مربوط به حوزه و دانشگاه، اجازات و... از بین رفت.

او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از خبرگان از استان گیلان به منظور تدوین قانون اساسی با اکثریت آراء انتخاب گردید. سپس به طور موقت به تهران رفت و پس از چندی در قم مقیم شد. ایشان علاوه بر تدریس در حوزه، یکی از بنیان‌گذاران شورای مدیریت حوزه علمیه قم بود و مدتی راهم در سمت دبیر این شورا انجام وظیفه کرد.

مرحوم دکتر ضیایی برای سامان دهی امور حوزه، به همراه بزرگان و مدرسین حوزه علمیه طرح مدیریت حوزه را به اجرا در آورد و با تمهیداتی توانست هسته اولیه

شب دردمند عاشق چه شب دراز باشد
غم دل به دل سراید، پی فاش راز باشد
چو خیال دلبرش را، به عیادتش ببیند
همه درد او شود به، همه ناله‌ساز باشد
سپری شده است عمرم، پی وصل آن یگانه
که وصل آن پریش، همه دم نیاز باشد
نظر ار به مهر دارد، همه درد را زاید
چه رسد که لب گشاید، همه دلنواز باشد
همه عمر رنج بردم ره وصل او کنم طی
شده طی کتاب عمرم، ره وصل باز باشد
غم دل فراز گفتم، مگرش قبول افتد
به قبولی اش گهی چون گهی سر فراز باشد
همه درد من ز مهرش، همه ناله‌ام ز مهرش
چه شود که آن سلیمان، نگهش به ناز باشد
به امید آنکه آید، سر من به بر بگیرد
دم آخرین خود را، به سرم نماز باشد
مخراش ای «ضیایی» دل خود به پنجه غم
که امیر دادگستر، شه غم نواز باشد

رحلت

سرانجام آیه‌الله ضیایی که به مرض
سرطان مبتلا شده بود، پس از معالجات
ممتد در ایران و خارج، در شب شام غریبان
حضرت ابی عبدالله علیه السلام در ۲۳ مرداد ۱۳۶۸
شمسی دار فانی را وداع گفت و به عالم بقا
شتافت.

نهاد اجرائی حوزوی را تهیه نماید و به
تصویب امام و سایر مراجع حوزه برساند.

حالات معنوی

دکتر ضیایی هر قدر که برای فراگیری
علم و دانش تلاش می‌کرد، به همان اندازه
نیز متخلّق به آداب و اخلاق نبوی و سیره
عملی معصومین علیهم السلام بود. او علم و تعهد و
معنویت را با هم آمیخته بود. آیه‌الله
قربانی، نماینده ولی فقیه در گیلان و امام
جمعه رشت، دربارهٔ حالات این مرد
و الامقام می‌گوید:

«در سال ۱۳۵۶ شمسی که ما به همراه
ایشان به حج مشرف شده بودیم، در روز
عرفه معظم له با حال خوشی دعای سید
الشهداء علیه السلام را به گونه‌ای سوزناک
می‌خواندند که هنوز طنین آن سوز و
گدازها در گوش من موجود است.»

طبع شاعرانه

دکتر ضیایی از طبع شاعرانه هم
بی‌بهره نبود. بسیاری از اشعار وی نیز در
آتش سوزی خانه مسکونی وی توسط
ساواک از بین رفت. نمونه‌ای از غزل معظم
له در مدح حضرت بقیه‌الله الاعظم علیه السلام که
در سال ۱۳۵۴ شمسی سروده است، در
اینجا می‌آوریم: